

سخنرانی حجت الاسلام والمسلمین دکتر حسن روحانی
در آیین گشایش کنفرانس بین المللی تحولات عراق

چالشهای فراروی عراق جدید

در آغاز سخن، مایلم به حضار گرامی، مهمانان ارجمند، محققین، پژوهشگران، بالاخص مهمانان خارجی که دعوت مرکز تحقیقات استراتژیک را پذیرفتند، سفرای کشورهای خارجی مقیم تهران که در این جلسه حضور دارند، به ویژه به اساتید و محققین کشور دوست و برادرمان عراق، خوشامد بگویم و از حضور همه آنها تشکر نمایم. خوشوقتم که این فرصت مناسب در اختیار ما قرار گرفت تا در زمینه ی تحولات مهم و سرنوشت ساز عراق و تأثیرات منطقه ای آن به بحث و تبادل نظر بپردازیم.

حضار محترم و میهمانان گرامی

تاریخ عراق به عنوان یکی از مراکز تمدن بشری، تاریخ پرفراز و نشیبی بوده است. این کشور به دلیل موقعیت و پتانسیلهای ویژه، در طول تاریخ همواره مورد توجه و طمع استعمارگران قرار گرفته است. بعد از جنگ جهانی اول و با اشغال این کشور، قدرتهای استعمارگر، نظام

سیاسی را بر این کشور حاکم نمودند که رژیم دیکتاتوری و مستبد صدام مولود آن بود. تا برای سالیان دراز عامل وحشت، سرکوب و درد و مصیبت نه تنها برای ملت عراق بلکه برای ملل منطقه گردد و بعدها، در حالی که این رژیم در مواجهه با قیامهای مردمی در آستانه‌ی سقوط قرار گرفت، باز همین قدرتهای استعمارگر ترجیح دادند که این رژیم به حیات خود ادامه دهد. متعاقب حوادث ۱۱ سپتامبر و تصمیم آمریکا و انگلیس برای حضور گسترده‌تر در منطقه برای سلطه بر خاورمیانه، حذف رژیم صدام در دستور کار غرب برای تأمین اهداف بزرگ‌تر قرار گرفت.

آمریکاییها بر اساس توهمات خود که در طرح خاورمیانه بزرگ نهفته است، به دنبال تثبیت ارزشهای سرمایه‌داری و غربی خود در عراق و منطقه و تغییر فرهنگ و ذهنیت مسلمانان بوده تا از این طریق، تصویر مورد انتظار خود را در ذهنیت مسلمانان شکل داده و زمینه را برای حضور دائمی و سلطه‌ی گسترده‌ی خود و رژیم صهیونیستی در منطقه به وجود آورند. بر همین اساس و علی‌رغم مخالفت افکار عمومی و تلاشهای فراوان بسیاری از سازمانهای بین‌المللی و منطقه‌ای و کشورها از جمله همسایگان عراق، متأسفانه آمریکا و انگلیس به صورت یک‌جانبه حقوق و مقررات بین‌المللی را نقض و به عراق حمله‌ی نظامی و آن را اشغال نمودند تا مردم عراق دوران پررنج و درد ناشی از این اشغال را از آن زمان تاکنون پیش روی داشته باشند.

اشتباه استراتژیک آمریکا

اتخاذ رویکردهای ناصحیح و پراشتباه و عدم توجه آمریکاییها به واقعیات و بافت اجتماعی و مذهبی عراق، متأسفانه باعث ناامنی دائمی، نابودی زیرساختها و خسارات جبران‌ناپذیری بر مردم و منافع ملی عراق شده است. اگرچه آمریکا و انگلیس با برنامه‌ریزی به عراق حمله کردند ولی هیچ برنامه‌ای برای آینده‌ی عراق متناسب با واقعیات این کشور در دست نداشتند. نومحافظه‌کاران آمریکا به غلط اعتقاد داشتند که در عراق موفقیتی سریع کسب می‌کنند، یک دولت نظامی مستقر خواهند کرد که تدریجاً به صورت یک دولت غیر نظامی و سپس با استقرار یک دولت دست‌نشانده با پوششی از تحرکات به ظاهر دموکراتیک، بر سرنوشت مردم

عراق حاکم خواهند شد و از طریق آموزش آن دولت به استقرار فرهنگ غرب و آزادیهای موردنظر خود دست خواهند یافت و با استفاده از پول نفت عراق به پیشرفتهایی سریع در ارتقای سطح زندگی در آن کشور نایل می‌شوند. سپس به سراغ طرح خاورمیانه بزرگ می‌روند و حکومت سکولار و حتی ضددینی و آزادیهای موردنظر خود را در سرتاسر منطقه گسترش می‌دهند.

استراتژی آنها البته تهدید علنی ایران و روسیه، سوریه و لبنان، مشروعیت‌زدایی حکومت عربستان و مصر و دیگر کشورهای منطقه با هدف تحقق رؤیای خاورمیانه بزرگ بود. آنان همچنین حساب کرده بودند که می‌توانند با بهره‌برداری از اثرات جانبی به اصطلاح آزادسازی عراق و گسترش فرهنگ غرب در خاورمیانه به حل بحران اسرائیل - فلسطین نزدیک‌تر شوند و اتحادیه اروپا، روسیه، چین و سایر کشورها را پشت سر گذارند و در همین حال به سود، نفوذ و کنترل بر منابع و سرنوشت کل منطقه نایل شوند.

آنها فکر می‌کردند با تسلط بر خاورمیانه، رهبری خود را بر جهان تثبیت کرده و بر منابع اصلی نفت منطقه سلطه یافته و قدرتهایی که در آینده به عنوان رقیب آمریکا ممکن است در جهان سربرآورند، از اتحادیه اروپا گرفته تا چین و روسیه، فاصله‌شان را با آمریکا به مراتب بیشتر خواهند کرد. بنابراین هجمه به عراق مقدمه‌ای برای سلطه بر منطقه؛ و سلطه‌ی منطقه، مقدمه‌ای برای سلطه‌ی جهانی خواهد شد.

استراتژی خیال پردازانه‌ی آنان البته در همان ابتدا و پیش از تشکیل حکومت نظامی در عراق، به واسطه‌ی هوشیاری ملت عراق و رهبری آیت‌الله سیستانی در نطفه خفه شد. چرا که عراق خواهان یک انتخابات دموکراتیک واقعی تحت نظارت سازمان ملل بود.

در واقع آنچه مورد تصور آمریکا و انگلستان نسبت به عراق بود با هوشیاری مردم عراق و با رهبری حکیمانه آیت‌الله سیستانی نقش بر آب شد. آیت‌الله سیستانی از روز اول با شعار دموکراسی و انتخابات با نظارت سازمان ملل به جنگ سیاسی با اشغالگران پرداخت و آن زمانی که حتی سازمان ملل با فشار آمریکا اعلام کرد که انتخابات در عراق امکان‌ناپذیر است او با تواضع گفت: نمایندگان سازمان ملل را به خانه‌ی خود می‌پذیرم و آماده‌ام با آنها به بحث و گفتگو بنشینم، تا به آنها ثابت کنم عراق برای یک انتخابات سراسری آمادگی دارد. رهبری

این عالم بزرگ و هوشمندی و درایت مردم عراق، همه‌ی نقشه‌های آمریکا و انگلستان را نسبت به عراق و منطقه و دیگر کشورها به چالش کشاند و شما امروز می‌بینید که آمریکا در عراق و در منطقه از هر زمان دیگری منفورتر است.

اشتباه محاسبات آمریکا

امروز، سه سال از حمله‌ی ایالات متحده آمریکا به عراق می‌گذرد. با این حال تاکنون نه سلاحهای کشتار جمعی در این کشور یافت شده و نه آرامش، امنیت و ثبات به آن بازگشته است. مرگ و ویرانی، خشونت و آشوب بیداد می‌کند، دموکراسی برقرار نشده، برخلاف آنچه وعده داده بودند بهای نفت پایین نیامده، بلکه هر روز افزایش بالاتری داشته، صدها هزار غیرنظامی عراقی و هزاران نظامی آمریکایی کشته و مجروح شده‌اند. به قول یکی از مفسران سیاسی وابسته به جریان محافظه کار آمریکا «جورج بوش با نفرت همه گیر دموکراتها و بی‌اعتنایی روزافزون جمهوری خواهان روبروست».

براساس نظرسنجی‌ای که اخیراً توسط سی.ان.ان، آی.اس.ای، تودی،^۲ و مؤسسه‌ی گالوپ^۳ انجام گرفته، نگرش مردم آمریکا به سیاستهای جورج بوش در عراق شدیداً تغییر کرده است. در سال ۲۰۰۳ در ابتدای جنگ، ۷۳ درصد از مردم آمریکا معتقد بودند که «حمله به عراق ارزشش را داشته است». در سال ۲۰۰۶ فقط ۳۷ درصد از مردم آمریکا معتقدند که ادامه‌ی جنگ عراق ارزشش را دارد. به همین نحو در سال ۲۰۰۳، ۶۹ درصد از مردم آمریکا «از پیروزی مطمئن بودند». حال آنکه در سال ۲۰۰۶ تنها ۲۲ درصد از موفقیت آمریکا در عراق مطمئن‌اند. دلایل این تغییر عمده در نگرش مردم آمریکا چیست؟

اگر بخواهیم این آمار را به زبان ساده بیان کنیم باید بگوییم که از زمان آغاز جنگ در سال ۲۰۰۳ بدبینی مردم آمریکا نسبت به جنگ عراق، آشکارا سیر صعودی داشته است. تغییر در نظرات شهروندان و نگاه افکار عمومی از سیاستهای آمریکا به مراتب تندتر و شدیدتر است. در خاورمیانه و کشورهای مسلمان نیز تظاهراتهای گسترده‌ای در اعتراض به حمله‌ی آمریکا به

1. C.N.N
3. Galup

2. U.S.A Today

عراق صورت گرفته است. تهدید معروف بوش که «یا با ما هستید یا علیه ما» شاید متحدانی را در رابطه با سیاستهای او در قبال عراق به همراه داشته اما او را در اغلب نقاط دنیا به فردی تنها و تندرو تبدیل کرده است. باید این واقعیت را یادآوری کنیم که در چهارگوشه‌ی جهان، هیچ کشوری جز انگلستان واقعاً خواهان حمله به عراق نبود.

بوش چوپان دروغگو

حقیقت این است که دلیل اصلی ابراز انزجار و مقاومت عمومی در برابر سیاستهای بوش در عراق، بهانه‌های واهی، فریبکاری و دروغگوییهای آمریکا بود که موج عظیمی از مقاومت‌های سیاسی و مردمی علیه تهاجم به بغداد را ایجاد کرد. مطبوعات آمریکا خود اذعان کرده‌اند که تاریخ‌نگاران در آینده از نحوه‌ی القای حقانیت حمله به عراق به افکار عمومی، به عنوان یکی از بارزترین موارد ایجاد احساسات جنگ طلبانه از راه دروغ و فریب افکار عمومی یاد خواهند کرد.

جورج بوش و مشاوران نزدیکش نظیر چنی،^۴ رایس^۵ و رامسفلد^۶ به دو دلیل عمده، آمریکا را به جنگ با عراق کشاندند. نخست آنکه جان شهروندان آمریکا و بقیه را از تسلیحات کشتار جمعی عراق نجات دهند و دیگر آنکه صدام حسین و گروه القاعده را به عنوان عامل حملات تروریستی یازده سپتامبر مجازات کنند. پس از سه سال جنگ و اشغالگری، هنوز پنتاگون در عراق به دنبال سلاحهای کشتار جمعی وعده داده شده، است. سازمان سیا^۷ و اف بی آی^۸ و نیز هیئت تحقیق حملات یازده سپتامبر در کنگره‌ی آمریکا^۹ نیز این نظریه‌ی توطئه که بغداد با القاعده ارتباط داشته را رد کرده‌اند تا ناخودآگاه دومین بهانه‌ی اصلی جورج بوش نیز از اعتبار ساقط شود.

بنابراین، نزول شدید میزان مقبولیت بوش، مصداق بارز حکایت چوپان دروغگوست.^{۱۰} آیا مردم آمریکا این بار هم فریب این چوپان دروغگو را خواهند خورد و باور خواهند کرد که

4. Chaney

5. Rice

6. Rumsfeld

7. C.I.A

8. F.B.I

9. Congressional Investigation

10. Crying Wolf

ایران، آن هم تحت نظارت دقیق جامعه‌ی جهانی و آژانس بین‌المللی انرژی اتمی به دنبال تسلیحات هسته‌ای است؟ نمی‌توان گفت که پاسخ به این سؤال کاملاً منفی است. ولی تا این حد مشخص است که دولت آمریکا در متقاعد ساختن جامعه‌ی بین‌المللی راهی بس دشوارتر پیش رو خواهد داشت.

چالشهای پیش روی عراق

امروز، عراق و ملت بزرگ این سرزمین با چند چالش مهم، روبرو هستند.

معضل امنیت در عراق

چالش اول، معضل امنیت در عراق است. امروز ناامنی در کشور عراق به گونه‌ای است که در هیچ خیابان و منطقه‌ای مکان امنی یافت نمی‌شود. علی‌رغم آنکه اشغالگران مسئول امنیت این کشور هستند، آمریکاییها هیچ گونه توجهی به امنیت مردم عراق ندارند و صرفاً در فکر امنیت خود در عراق هستند. در فکر امنیت پادگانهای خود، در فکر امنیت ستونهای نظامی که از این سمت به آن سمت عراق در حرکت هستند، می‌باشند. آمریکا حتی برای ایجاد امنیت سربازان خود عاجز است. آن گاه که دهها نفر از شیعیان و کردها و سنیهای عراق کشته می‌شوند برای آمریکاییها اهمیتی ندارد. وقتی که مساجد و اماکن دینی تخریب می‌شود برای آمریکاییها اهمیتی ندارد و آن گاه که افراد پلیسی که آموزش کافی ندارند و تازه شروع به کار کرده‌اند کشته می‌شوند برای آمریکاییها اهمیتی ندارد. مشکل اصلی برای امنیت عراق، وجود اشغالگران در عراق است. عاملی که به صورت انگیزه برای افرادی درآمده است که به خشونت در عراق دست بزنند. همچنین رفتار آمریکا در زمینه‌ی امنیت عراق، سوالات فراوانی را به همراه دارد:

- ۱- چرا آمریکاییها اجازه نمی‌دهند که دولت عراق خود به امنیت کشور خود پردازد.
- چرا تروریستها و اطلاعات مربوط به تروریستها را در اختیار دولت عراق نمی‌گذارند.
- چرا بسیاری از تروریستها را بعد از یک بازجویی چند روزه آزاد می‌کنند؟! تروریستی که عامل تخریب مرقد مقدس دو امام شیعیان در سامرا بود، فردی بود که در زندان

آمریکاییها بود و چند روز قبل از این جنایت بزرگ توسط آمریکاییها آزاد شده بود. امنیت سامرا بر عهده‌ی آمریکاییها بود. سؤال این است که چطور ۶۰ تروریست مسلح در ماجرای سامرا ۱۰ ساعت مشغول فعالیت بمب‌گذاری در مرقد مطهر سامرا بودند و چطور آمریکاییها هیچ عکس‌العملی نشان ندادند؟!

۲- آمریکاییها به خوبی می‌دانند که چه کشورهایی به تروریستها کمک مالی می‌کنند و چگونه افراد را از کشور خود اعزام می‌کنند. برخی از این کشورها رابطه‌ی صمیمی با آمریکا دارند. چرا آمریکا در این زمینه چشم‌پوشی می‌کند؟! آمریکاییها باید به این سؤال مهم پاسخ دهند. چرا در زمینه‌ی امنیت عراق اقدام جدی به عمل نمی‌آورند. آیا آمریکاییها فکر می‌کنند استقرار امنیت در عراق، مشروعیت ادامه‌ی حضور آنها در این کشور را زیر سؤال می‌برد؟ آیا آمریکاییها فکر می‌کنند اگر عراقی با ثبات و امن باشد دیگر هیچ گروه و دسته‌ای به آنها نیازمند نیست و به آنها توجهی نمی‌کند.

۳- چرا آمریکا مانع اقدامات و برنامه‌ریزی دولت عراق در زمینه‌ی امنیت است؟ مگر بارها و بارها دولت عراق، مسئولین عراق، احزاب سیاسی عراق به کرات اعلام نکرده‌اند که ما قادر به ایجاد امنیت در عراق هستیم. چرا آمریکاییها اجازه نمی‌دهند که مردم عراق امنیت کشور خود را برعهده بگیرند؟! چرا آمریکا مانع کمک کشورهای همسایه‌ی عراق در زمینه‌ی امنیت است؟!

۴- آمریکاییها به خوبی می‌دانند که نیروهای بعثی که آنها اصرار به حضورشان در مناصب حکومتی دارند و فشار می‌آورند که در مسئولیتهای مختلف به کار گماشته شوند، رابطه نزدیک با تروریستها دارند. چرا آمریکاییها از نیروهای بعثی حمایت می‌کنند؟

اینها و دهها سؤال دیگر در این زمینه وجود دارد. در واقع، تأمین امنیت مردم عراق به وظیفه‌ای چندپاره تبدیل شده است. مسئولیت تأمین امنیت و آرامش در عراق ظاهراً برعهده‌ی نیروهای آمریکایی، انگلیسی و عراقی است. ولی واقعیت آن است که نیروهای آمریکایی و انگلیسی که خود بخشی از مشکل و عامل اصلی خشونت‌ها و اقدامات تروریستی هستند باعث شده‌اند که نیروهای تعلیم نیافته و فاقد تجهیزات عراقی به هدفهایی آسان برای تروریستها بدل

شوند که به آنها به چشم همدستان نیروهای اشغالگر نگاه می‌شود. نتیجه این امر افزایش موج تنش، خشونت، مرگ، ویرانی و قربانی شدن مردمی است که می‌خواهند به مملکت خود خدمت کرده و آرامش و امنیت را برای مردم خود تأمین کنند. امنیت عراق با خروج اشغالگران و با پایان دادن مداخلات آمریکا در امور عراق به خوبی امکان‌پذیر است. البته اگر دولت عراق مایل باشد کشورهای منطقه می‌توانند از لحاظ اطلاعاتی و یا انتقال تجربه به آنها کمک کنند.

چالش ساختار قومی در عراق

چالش دوم در عراق مسئله وحدت و انسجام ملی و همچنین در کنار آن، تمامیت ارضی است. همه ما می‌دانیم عراق از لحاظ قومی و از لحاظ مذهبی دارای تکتک است. در عراق اکثریت ۶۵ درصدی شیعیان و اقلیت کردها و سنیها زندگی می‌کنند. برای ثبات در عراق، راهی جزء تعاطف و وحدت بین گروهها وجود ندارد. هرگونه اختلاف و تشتت به ضرر مردم عراق است. نکته‌ی حایز اهمیت آنکه برخی افراد در کشورهای منطقه و حتی در خود عراق اصرار دارند که بگویند عراق وارد جنگ داخلی شده است. در حالی که به خوبی می‌دانند در عراق جنگ داخلی وجود ندارد. ماجرای سامرا را به وجود آوردند تا در عراق جنگ مذهبی و داخلی به وجود آورند. اما هوشیاری حوزه‌ی علمیه نجف و آیت‌الله سیستانی و مردم عراق، شیعیان، اهل سنت و کردها، باعث شد این توطئه خنثی شود. هنوز هم افراد بیماری در داخل عراق و افرادی در بیرون از عراق می‌خواهند با اصرار بگویند در عراق جنگ داخلی است. ما می‌دانیم به دنبال چه هدفی هستند؟ ما می‌دانیم که می‌خواهند دستاوردهای سه ساله‌ی مردم عراق را از بین ببرند. می‌دانیم که می‌خواهند بگویند این قانون اساسی باید تغییر کند. می‌خواهند بگویند این نظام، نظام کارآمدی نیست. اما واقعیت این است که حفظ منافع مردم عراق و ثبات منطقه تنها در سایه‌ی اتحاد مردم عراق و ائتلاف گروهها امکان‌پذیر است. این اتحاد تنها در سایه‌ی انعطاف، تسامح، تعامل و عقلانیت و ایجاد دولت ملی و ائتلاف ملی و اتحاد همه‌ی گروههای قومی و مذهبی امکان‌پذیر است.

ما بسیار خوشحالیم که بیداری مردم عراق باعث شده است قدم به قدم عراق به سمت وحدت و یکپارچگی و انسجام حرکت کند. البته خوشایند اشغالگران نیست که در داخل

عراق وحدت باشد. شما دیدید که آمریکاییها برای تشکیل دولت عراق چه موانعی را به وجود آوردند و چگونه تلاش می کردند که نه تنها وحدتی بین کردها و سنیها و شیعیان نباشد بلکه حتی در تلاش بودند که ائتلاف شیعیان را هم بهم بزنند که خوشبختانه ناموفق بودند. وحدت، یکپارچگی و تمامیت ارضی عراق هم برای خود عراق و هم برای منطقه اهمیت فراوانی دارد. تجزیه ی کشور عراق، به نفع کردها، سنیها و شیعیان نیست و به نفع کشورهای منطقه هم نخواهد بود. یکپارچگی به نفع همه است. عراق یکپارچه، عراقی که همه گروهها و اقوام به نسبت جمعیت خودشان حق حضور دارند و همه گروهها باهم تعامل دارند، به نفع ملت عراق و کشورهای منطقه است.

در حال حاضر عراق، روند انتقال سیاسی خود را طی می کند. در این روند ویژگیهای جدیدی حایز اهمیت است. از جمله این ویژگیها، تعریف جدید از ساخت قدرت و سیاست داخلی و ایجاد تعادل در سهم گروههای مختلف سیاسی و قومی در حکومت مرکزی می باشد. برای سالیان دراز، حضور مسلط و تعریف شده یک اقلیت، مبنای تنش و بی ثباتی نه تنها در صحنه ی داخلی کشور بلکه در سطح روابط با کشورهای منطقه بود. حاصل آن سرکوب گروههای سیاسی دیگر همچون شیعیان و کردها، ایجاد فضای وحشت و ترور و به طور کلی بی اعتمادی متقابل و همچنین ماجراجوییهای خارجی دولت بعثی در تجاوز به همسایگان بود. جمهوری اسلامی ایران و کویت دو قربانی این مسئله می باشند. روند انتقال سیاسی عراق بی تردید مستلزم بازتعریف نقش گروههای مختلف سیاسی در ساختار قدرت این کشور می باشد تا از این طریق تعادل و تناسب حفظ گردد. از سوی دیگر این روند انتقال نیازمند بازتعریف روابط منطقه ای و بین المللی عراق می باشد. در این روند عراقی مورد نظر منطقه است که تهدیدگر نباشد و در خدمت نظم و امنیت به ایفای نقش مثبت خود بپردازد.

در شرایط حساس کنونی، بی تردید رمز اساسی حفظ هویت واقعی عراق و بقای این کشور به عنوان یک کشور عربی و اسلامی در حفظ وحدت و وفاق گروههای داخلی، تداوم گفتگوهای سیاسی و حل مسالمت آمیز مسائل و عدم توسل به زور و خشونت بوده و ملت عراق همانند دیگر ملتها، بدون هرگونه حضور و مداخله خارجی، حق تعیین سرنوشت کشور خویش را دارا می باشد. اقداماتی نظیر تشویق و تحریک گروهها علیه یکدیگر و ایجاد اختلافات

طایفه‌ای نه تنها برای آینده‌ی عراق بلکه برای ثبات و امنیت همسایگان و منطقه نیز مخاطره‌آمیز خواهد بود.

چالش کارآمدی دولت

چالش سوم، کارآمدی دولت است. همه باید در داخل عراق تلاش کنند و دیگران از خارج عراق کمک کنند تا عراق بتواند دارای دولتی کارآمد باشد. آمریکاییها در داخل عراق دهها سازمان و شرکت به وجود آورده‌اند سازمانهایی که فلسفه‌ی وجودی آنها نه برای مردم، نه همسایگان و نه دیگران مشخص است. سازمانها و شرکتهایی که نه تنها برای تاراج عراق تحت عنوان بازسازی عراق به وجود آمده‌اند، بلکه حتی سازمانهایی را برای امنیت عراق نیز به وجود آورده‌اند. بسیاری از شرکتهای وابسته به معاون رئیس جمهور آمریکا، آقای چنی است. برخی از شرکتهای وابسته به وزیر دفاع آقای رامسفلد و برخی از شرکتهای وابسته به چند مشاور ارشد بوش هستند که اصرار به حمله آمریکا به عراق را داشتند.

اگر کنگره‌ی آمریکا و عراق حساب این شرکتهای را مورد بررسی قرار دهند برایشان روشن می‌شود که اصرار آنها برای ماندن آمریکا در عراق چیست. آمار نشان می‌دهد که ۷۳ درصد سربازان آمریکایی در عراق معتقدند که هرچه سریع‌تر باید از عراق خارج شوند. علی‌رغم عدم رغبت سربازان آمریکا و علی‌رغم عدم میل مردم آمریکا و مردم عراق و منطقه، چرا همچنان آمریکا اصرار به حضور در عراق دارد؟ دخالتهای آمریکا مانع اصلی کارآمدی دولت است. آمریکاییها در داخل عراق فکر می‌کنند چند دولت وجود دارد و مداوم در حال امتیاز گرفتن و امتیازدهی به گروهها هستند. آنها فکر می‌کنند در داخل عراق گروههایی که وجود دارند به منزله‌ی دولتهایی هستند که برای تعامل آنها باید از این گروه به آن گروه امتیازدهی کنند. مداوم با این گروه علیه گروه دیگر سخن می‌گویند. کارآمدی دولت عراق تنها در سایه‌ی اجرای قانون اساسی امکان‌پذیر است. آمریکاییها می‌خواهند در کنار قانون اساسی هر روز مقررات و قوانین ویژه‌ای را وضع کنند. ما معتقدیم تنها در سایه‌ی اجرای قانون در عراق می‌توان دولتی کارآمد را به وجود آورد و اگر دخالت دیگران نباشد، مردم و مسئولین عراق خود قادرند کشور را به خوبی اداره کنند.

خروج اشغالگران مهم ترین چالش

چهارمین و مهم ترین چالش برای مردم عراق بحث خروج اشغالگران است. متأسفانه تاکنون هیچ زمان بندی برای بحث خروج اشغالگران در عراق تهیه نشده است. اشغالگران اگر هر چه سریع تر از این سرزمین خارج شوند و دست از مداخلات خود در امور سیاسی و اقتصادی بردارند، ثبات عراق و به دنباله ی آن ثبات منطقه تحقق خواهد یافت. تدارک برای حضور دائمی در عراق اشتباه بزرگ دیگری از سوی آمریکا است که با افزایش خشونتها و گسترش بی ثباتی در منطقه را در پی خواهد داشت. آمریکا هم اکنون در پی احداث بزرگ ترین پایگاه نظامی برون مرزی با دهها میلیارد دلار و نیز بزرگ ترین سفارتخانه ی خود در کشور عراق است که هزینه ای بالغ بر یک میلیارد دلار را بر کاخ سفید تحمیل خواهد کرد. این طرح قبل از هر چیز بیانگر احساس ناامنی شدید آمریکا در سایر پایگاههای نظامی ساخته شده در منطقه خلیج فارس است. این طرح همچنین نشان می دهد که دولت ایالات متحده حضور دائمی در منطقه را دنبال می کند.

در حال حاضر یکی از اصلی ترین ریشه های تنش و بی اعتمادی در روابط بین ملتهای منطقه و همچنین روابط دولتها، حضور نیروهای آمریکایی در خاک عراق است. این حضور نه تنها منجر به شکاف و بی اعتمادی در میان گروههای مختلف سیاسی - مذهبی داخل عراق می گردد، بلکه بهانه ای نیز به دست گروههای خشونت طلب و افراطی می دهد تا با ایجاد هرج و مرج، سعی در دسترسی به اهداف نامشروع داشته باشند.

از سوی دیگر سیاستهای خصمانه ی آمریکا در برخورد با دولتهای منطقه، زمینه های بی ثباتی بیشتر و بی اعتمادی را در سرتاسر منطقه فراهم کرده است. این سیاستها چه در قالب تهدیدات امنیتی نسبت به برخی حکومتهای منطقه و چه در قالب زیر سؤال بردن مشروعیت سایر حکومتها با پی گیری سیاستهای مربوط به تغییر فرهنگها موجب گسترش بی ثباتی در سطح منطقه گردیده است.

همان گونه که تحولات سه سال گذشته نشان داده است، ایدئولوژی و مذهب فراتر از تصور آمریکاریشه در بطن جامعه دارد. هرگونه تلاش در جهت تزریق تفکر دموکراسی غربی در میان توده های مذهبی و سنتی جوامع خاورمیانه و به خصوص عراق، ناشی از عدم فهم

درست خواستهای مردم منطقه و مسائل آنها می باشد. بی تردید حضور مؤثر نیروهای مداخله گر خارجی در شکل دهی ساخت قدرت و سیاست منطقه، منجر به شکاف میان دولتها و ملت‌های منطقه شده است. نتیجه این امر در درازمدت به نفع نظم طبیعی منطقه نخواهد بود، چرا که منجر به گسترش بی اعتمادی میان حکومتها و ملت‌ها از طریق یارگیری و وابستگی به حمایت نیروهای خارجی خواهد شد.

چالش بازسازی

و بالاخره چالش پنجم مسئله بازسازی عراق است که باید همه ی کشورهای منطقه به عراق کمک کنند تا دولت عراق بتواند ویرانیهای این کشور را بازسازی کند. در این زمینه کشورهای همسایه به ویژه ایران می توانند کمک مؤثری باشند. اشغالگران نباید مانع شوند تا دولت عراق خود در زمینه ی بازسازی کشور تصمیمات لازم را اتخاذ کند.

جمهوری اسلامی ایران برای کمک به ملت و دولت عراق همواره اعلام آمادگی نموده است تا آنها بتوانند از این مرحله سخت و حساس انتقالی با موفقیت عبور نمایند. لذا ایران در روند بازسازی عراق مصمم به کمک می باشد و هم اینک مجموعه کاملی از برنامه های همکاری اقتصادی شامل کمک توسعه ای، سرمایه گذاری، تجارت، گردشگری، طرحهای تأمین مالی و همانند آن را در نظر گرفته و در حال کار با دولت عراق می باشد. همچنین در زمینه ی رفع نیازمندیهای اقتصادی و معیشتی روزمره مردم عراق شامل تأمین سوخت، برق رسانی و نظایر آن نیز تاکنون از هیچ کمکی دریغ ننموده است و امیدوار است که این روند با حمایت همه جانبه ملت و دولت عراق به پیش رود.

با توجه به تجربیات و امکانات بالقوه و نزدیکی جغرافیایی و فرهنگی ایران و عراق، جایگاه ویژه ای در کار توسعه و بازسازی عراق برای ایران متصور است. این امر قطع نظر از مزایایی که جمهوری اسلامی ایران برای این کار، دارا می باشد. بدین خاطر است که اساساً ایران و عراق دو شاخه از یک درخت تناور فرهنگی و تمدنی می باشند که هر حادثه ای برای یکی از این دو، دیگری را متأثر می سازد. به علاوه مزیت‌های ایران در این امر غیرقابل انکار است و فقط عناد و دشمنی اشغالگران باعث می شود این مزیتها در نظر گرفته نشود. وجود راههای ارتباطی هوایی،

دریایی و زمینی برای حمل و نقل منابع و نیروی انسانی متخصص، تجربیات دوران بازسازی بعد از جنگ تحمیلی رژیم صدام علیه ایران و از همه مهم تر قرابت دینی و روحی مردم عراق و ایران، همگی از مزیت‌های کشور ما می باشد.

خواست مردم عراق، استقلال کامل

ما به تمدن مردم عراق ایمان داریم و می دانیم مردم عراق در پی استقلال کامل سرزمین خود هستند و به خوبی می توانند کشور خود را اداره کنند. عراق اکنون در مقطع حساس تاریخی ایستاده است. ادامه ی سیاست خارجی مداخله جویانه ی آمریکا به زیان مردم عراق، کل منطقه و حتی مردم آمریکا خواهد بود و موجب تداوم آن چیزی خواهد شد که جز نمایی ظاهری از صلح و امنیت و عدالت نیست. ایالات متحده شاید در عرصه ی نظامی پیروز میدان به حساب آید؛ با این حال باید از درایت کافی برای ایجاد آرامش و ثبات آن هم بدون استفاده از قوه ی قهریه و خون ریزی نیز برخوردار می بود. مقامات آمریکایی باید بدانند که مردم لایق و دلاور عراق نخواهند پذیرفت که یک ابرقدرت جایگزین صدام شود و به جای یک دیکتاتور، اشغالگر و تجاوزگر مستقر شود که حق خود می داند، انسانها را بکشد، از موضع برتر با آنان سخن بگوید و به آنان امر و نهی کند، آنان را تحقیر و ارباب کند و نهایتاً امیال و اولویتهای خود را بر سرنوشت سیاسی عراق تحمیل کند.

آنان باید این نکته را درک کنند که اگر هر چه زودتر از عراق خارج شوند خشونت و تروریسم زودتر مهار خواهد شد و مردم عراق از هر گروه قومی و مذهبی که باشند زودتر به حل اختلافات خود به شکلی متمدنانه و سازگار با فرهنگ و تمدن غنی و باشکوه عراق نایل خواهند شد.

مردم عراق علاقه مند به کمک اند و نه مداخله

عراق اینک نیازمند حمایت و پشتیبانی سیاسی، اقتصادی و معنوی ماست؛ نه مداخلات و امر و نهی. عراق اینک به شدت محتاج حمایت ما برای تأمین امنیت، تحکیم وحدت داخلی و ارتقای معیشت شهروندان خود است. برقراری حاکمیت قانون و دموکراسی، استقرار حکومت

برآمده از رأی مردم و تضمین حقوق تمامی گروههای قومی و مذهبی از مهم‌ترین نیازهای کنونی کشور عراق است. در این روند مشخصاً باید حقوق اقلیتها به ویژه در روند تصمیم‌گیری لحاظ شود. عراق همچنین می‌تواند به عنوان کشوری مهم و مستقل در منطقه‌ی خلیج فارس نقشی مهم و سازنده در پیشبرد صلح و ثبات منطقه ایفا کند. مردم عراق ثابت کرده‌اند از توانایی لازم برای غلبه بر تمام مشکلات موجود برخوردارند.

حضار محترم و میهمانان گرامی!

جمهوری اسلامی ایران از پدیدارشدن افقهای ایجاد عراقی جدید که براساس حسن همجواری و پایبندی به معاهدات دوجانبه و چندجانبه شکل گرفته باشد، استقبال نموده و آمادگی خود را برای تحرک بیشتر در توسعه‌ی روابط دوجانبه با انتخاب دولت دائمی در این کشور اعلام می‌دارد و علی‌رغم اینکه بیشترین خسارات مادی و معنوی را از رژیم گذشته عراق متحمل گردیده است، همواره به عنوان یک کشور دوست و برادر در کنار مردم عراق قرار خواهد داشت و امیدوار است با تشکیل دولت دائمی که برآمده از آرای مردم است، گامی اساسی در جهت تقویت ثبات و امنیت در عراق، پایان دادن به جنایات تروریستی و همچنین خروج نیروهای خارجی از خاک این کشور بردارد و عراق در آینده، شاهد پیشرفت‌های چشمگیری در روند بازسازی و توسعه‌ی اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی و همچنین گشایش فصل تازه‌ای از مناسبات منطقه‌ای با همسایگانش باشد.

جمهوری اسلامی ایران به توانایی ملت عراق و رهبران مذهبی و سیاسی این کشور در اداره‌ی امور خود، باور داشته و گشایش جدید در انتخاب رهبران این کشور را ناشی از همین درایت و بلوغ سیاسی می‌داند و همچون گذشته، آماده‌ی همکاری با دولت جدید این کشور می‌باشد.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته